

## Factors and Bases of Tendency to “Takfiri Groups”; Case Study in Southern Regions of Kerman Province

### Reza Khalili\*

<https://orcid.org/0000-0003-1279-8737>

Assistant Professor, Political Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran

### Ghadir Nasri

<https://orcid.org/0000-0003-3525-7220>

Associate Professor, Political Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran

### Salman Dastafshan

<https://orcid.org/0000-0003-2420-7076>

LLM, Political Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran

### Abstract

In this research, the factors and bases of tendency to Takfiri groups are examined and empirically tested in the southern regions of Kerman province. The research method for collecting data is quantitative in which questionnaire is used to collect the required data. The statistical population of the study consists the citizens of southern regions of Kerman province. The sample size is 384 people using the Cochran formula and the sampling method is randomized population size. The research data are analysed using descriptive and inferential statistics based on SPSS statistical software. The research hypothesis is that synchronization and synergy of the effects of individual, national and transnational factors and bases have increased the tendency to Takfiri groups in the south of Kerman. The findings of the research show that, while there is difference between the individual, national and transnational level factors and bases, there is a positive and significant relationship between those and tendency to Takfiri groups in south of Kerman. The results of regression analysis show that the national level factors have the most significant effect on the tendency to Takfiri groups, and the transnational and individual level factors and bases are in the next category.

**Keywords:** Takfiri Groups, Terrorism, Extremism, South of Kerman, Iran.

---

\* Corresponding Author: rezakhalili1@khu.ac.ir

**How to Cite:** Khalili, R., Nasri, G., Dastafshan, S, (2021), “Factors and Bases of Tendency to Takfiri Groups”; Case Study in Southern Regions of Kerman Province”, *Political Strategic Studies*, 10(38), 9-42. doi: 10. 22054/ qpss. 2020. 43201.2328.

## عوامل و زمینه‌های گرایش به گروه‌های تکفیری؛ بررسی موردی مناطق جنوبی استان کرمان

رضا خلیلی\*

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

<https://orcid.org/0000-0003-1279-8737>

قدیر نصری

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

<https://orcid.org/0000-0003-3525-7220>

سلیمان دست‌افشان

دانش آموخته کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

<https://orcid.org/0000-0003-2420-7076>

### چکیده

در این پژوهش زمینه‌های گرایش به گروه‌های تکفیری در مناطق جنوبی استان کرمان مورد بررسی و آزمون تجربی قرار می‌گیرد. روش پژوهش از نوع کمی بوده و برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق شامل شهروندان جنوب استان کرمان است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر و شیوه نمونه‌گیری، تصادفی متناسب با جمعیت می‌باشد. داده‌های پژوهش با کمک نرم‌افزار آماری SPSS و با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. فرضیه پژوهش این است که همزمانی و هم‌افزایی تأثیر عوامل و زمینه‌های فردی، ملی و فراملی باعث افزایش گرایش به گروه‌های تکفیری در جنوب استان کرمان شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در عین تفاوت میان تأثیر عوامل سطح فردی، ملی و فراملی، بین همه آنها و گرایش به گروه‌های تکفیری در جنوب استان کرمان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد که عوامل سطح ملی بیشترین تأثیر معنادار بر گرایش به گروه‌های تکفیری را دارند و عوامل و زمینه‌های سطح فراملی و فردی در رده‌های بعدی قرار می‌گیرند.

**واژگان کلیدی:** گروه‌های تکفیری، تروریسم، افراط‌گرایی، جنوب کرمان، ایران.

## مقدمه

تکفیر اصطلاحی برخاسته از بافت بومی در فرهنگ اسلامی است و ریشه در تاریخ این فرهنگ دارد. آنچه موجب شده تا در سده اخیر این مفهوم اهمیتی ویژه داشته باشد، جریان‌های نوظهور است که مصداقی از معنای تاریخی آن بوده یا دست کم خود را مصداقی از آن می‌دانسته‌اند. هدف گروه‌های تکفیری به ادعای خودشان، خروج امت از ذلتی که گرفتار آن می‌باشد و رهنمون کردن بشریت به هدایت و راه نجات است؛ هر چند در عمل نتایج دیگری به دنبال داشته است. از اصول این تفکر می‌توان به تشکیل حکومت اسلامی به معنای تمام کلمه به عنوان مطلوب و هدف نهایی همه آنان و تکفیر بعنوان رایج‌ترین و کلیدی‌ترین مفاهیم مورد استفاده این گروه‌ها اشاره کرد.

در جنوب شرق ایران نیز دو گروه جندالله با سرکردگی عبدالمجید ریگی معروف به عبدالمالک ریگی و جیش‌العدل به رهبری صلاح‌الدین فاروقی دارای تمایلات تکفیری بوده‌اند که چندین نوبت به مرزهای شرقی کشور حمله کرده و تعدادی از مرزبانان و نیروهای انتظامی و سپاه را کشته‌اند. جنوب استان کرمان به دلیل همجواری با استان سیستان و بلوچستان و دوری با مرکز استان (دهستان رمشک در ۱۲۰ کیلومتری جنوب شرقی مرکز شهرستان قلعه گنج و ۵۵۰ کیلومتری مرکز استان واقع است و با مرکز شهرستان فنوج در بلوچستان ۱۰۰ کیلومتر فاصله دارد)، از جهات مختلف مستعد گرایش به گروه‌های تکفیری است. ساکنان این منطقه اکثریت شیعه مذهب هستند اما در کنار آنها تعدادی پیرو مذهب حنفی سنی نیز وجود دارند که در سه شهرستان قلعه گنج، منوجان و رودبار زندگی می‌کنند. از نظر اقتصادی عموم مردم این منطقه فقیر هستند، به طوری که معیشت مردم این ناحیه از راه کشاورزی و دامپروری و قاچاق کالا، قاچاق انسان نظیر اتباع افغانی و پاکستانی و انواع قاچاق مواد مخدر تامین می‌شود و جمود فکری و فرهنگی، کنترل ضعیف دولت بر این منطقه و بسیاری از معضلات دیگر نیز در کنار مسائل و مشکلات مذکور، دامن‌گیر ساکنین آن است. همچنین گسترش خاموش افکار وهابی و تکفیری در مناطق جنوبی استان کرمان و همجواری با استان سیستان و بلوچستان پتانسیل برخورد شیعه و سنی در این منطقه را تشدید کرده است (دیوسالار و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۹). در واقع وجود این عوامل بحران‌زا زمینه‌های گرایش به گروه‌های تکفیری را در منطقه افزایش داده و ضرورت پژوهشی جدی در این زمینه را برجسته کرده است.

با وجود تحقیقات گسترده پیرامون گروه‌های تکفیری، پژوهشی که به صورت کمی و دقیق به پدیده تکفیرگرایی در جنوب کرمان بپردازد وجود ندارد. بر این اساس مسئله اساسی این مقاله بررسی عوامل و زمینه‌های گرایش به گروه‌های تکفیری در این منطقه است که هم به دلیل ضعف مطالعات موجود و هم به عنوان یک دغدغه اساسی امنیت ملی از اهمیت نظری و کاربردی بسیاری برخوردار است. البته وقتی سخن از بررسی عوامل و زمینه‌های گرایش به گروه‌های تکفیری در مناطق جنوبی استان کرمان به میان می‌آید لازم است تأکید شود که سخن گفتن از شناسایی این عوامل و زمینه‌ها لزوماً به منزله پیوستن به آنها نیست. در واقع سخن گفتن از عوامل و زمینه‌ها به معنای امکان یا احتمال وقوع این امر است، در صورتی که پیوستن به گروه‌های تکفیری به معنای تحقق عملی این امکان یا احتمال است. پرسش اصلی این است که زمینه‌های احتمالی گرایش به گروه‌های تکفیری در جنوب استان کرمان چیست؟ فرضیه پژوهش این است که همزمانی و هم‌افزایی تأثیر عوامل و زمینه‌های فردی، ملی و فراملی باعث افزایش احتمال گرایش به گروه‌های تکفیری در جنوب استان کرمان شده است. بر این اساس، هدف مقاله بررسی دقیق زمینه‌های گرایش به گروه‌های تکفیری در جنوب استان کرمان با استفاده از روش کمی و سنجش دقیق نظر مردم منطقه از طریق پرسشنامه است. برای دستیابی به این هدف ابتدا به بررسی انتقادی مبانی نظری و ارائه چارچوبی برای سنجش میزان گرایش به گروه‌های تکفیری پرداخته می‌شود، سپس به تبیین چارچوب روش‌شناختی و توصیف متغیرهای زمینه‌ای پرداخته و در پایان نیز داده‌های پژوهش بر مبنای تکنیک‌های آماری توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.

**عوامل و زمینه‌های گرایش به خشونت، تکفیر و ترور؛ دیدگاه‌ها و نظریات**

برای ریشه‌یابی گرایش به خشونت، تکفیر و ترور به صورت عام و شناخت عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری گروه‌های تکفیری به صورت خاص، مقالات و کتاب‌های بسیاری نوشته شده است و بخش اعظم فکر و رفتار گروه‌ها، ملت‌ها، دولت‌ها و رسانه‌ها را درگیر خود کرده است اما همچنان این موضوع به قدری پیچیده و مبهم به نظر می‌رسد که حتی بعد از سال‌ها تلاش برای علت‌یابی و ریشه‌یابی آن؛ هنوز نمی‌توان علتی قاطع، مشخص و مورد توافق درباره آن ذکر کرد. این در حالی است که ترور و خشونت با اتکا به

آموزه‌های ایدئولوژیک همواره دولت‌های مختلفی را از شرق تا غرب به چالش کشیده و ملت‌های ضعیف را در کام خود کشانده است.

با افزایش تمایل به خشونت و ترور در سطح بین‌المللی و با اوج‌گیری ظهور جریان‌های تکفیری در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی، نظریات متعددی در باب شکل‌گیری این گروه‌ها مطرح شد و این جریان هنوز هم ادامه دارد. برای آنکه بتوان درک دقیق و جامعی از تلاش‌های نظری صورت گرفته در این زمینه داشت، در ادامه ابتدا رویکردهای مطرح در باب عوامل و زمینه‌های گرایش به خشونت و ترور و به تبع آن گروه‌های تکفیری و تروریستی در قالب پنج رویکرد مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرد و سپس تلاش می‌شود چارچوبی برای سنجش دقیق و کمی موضوع ارائه شود که بر مبنای آن قادر به سنجش وزن عوامل و زمینه‌های گرایش به گروه‌های تکفیری در مناطق جنوبی استان کرمان بود.

#### الف- رویکرد روان‌شناختی

از دیدگاه روان‌شناسی، چرایی توسل فرد به خشونت و پیوستن آن به گروه‌های تکفیری و تروریستی به وضعیت فرد یا تصور او از آن وضعیت مربوط می‌شود. بر اساس نظریه فروید، رفتارهای انسان متأثر از غرایض انسانی است (اینشتین و فروید، ۱۳۹۲: ۴۵-۴۸). در همین چارچوب رابرت گر «محرومیت نسبی انسان‌ها» را عامل اصلی گرایش به خشونت می‌داند (Gurr, 1970) و محققان دیگر عواملی چون «احساس تنفر» (Frings, 2005: 210) یا «احساس اشغال‌شدگی» را دلیل اصلی گرایش به گروه‌های تروریستی-تکفیری می‌دانند (پورسعید، ۱۳۹۳: ۷-۹). یکی دیگر از زمینه‌های فردی پرخاشگری «خودشیفتگی» است. اختلال شخصیت خودشیفته شامل یک بزرگ‌نمایی فراگیر، تمایل شدید برای توجه، احساس شایستگی، تمایل به بهره‌برداری یا سوء استفاده از دیگران، نیاز مفرط به تحسین و فقدان همدلی است (Terrorism and Narcissistic Personality Disorder, 2016). در همین چارچوب آلبرت اینشتین علل گرایش افراد به جنگ را تربیت نادرست می‌داند که «کینه‌توزی» را به کودکان تلقین می‌کند (اینشتین و فروید، ۱۳۹۲: ۲۰). نمود بارز تأثیر عوامل روان‌شناختی بر اعمال خشونت به شکل دیگرکشی و نظریه خودشیفتگی را در اعمال جنایت‌بار کشتار غیرنظامیان و افراد بی‌گناه توسط اعضای داعش یا در تحلیل آنها در قالب اعمالی چون برتر دانستن قرائت خود از اسلام، خروج از

القاعده، عدم تحمل انتقاد، تحقیر قربانیان، رد مرادده با غیرمسلمانان و تکفیر شیعیان می‌توان یافت (مؤسسه ابرار معاصر، ۱۳۹۶).

### ب- رویکرد اجتماعی

برخی محققان از دیدگاه اجتماعی به شکل‌گیری زمینه‌های خشونت بعنوان رفتار غالب اکثر گروه‌های تروریستی پرداخته‌اند. به اعتقاد *امیل دورکهایم* در فاصله حرکت از جامعه ابتدایی به جامعه مدرن، وضعیتی موسوم به «آنومی یا آشفتگی» ایجاد می‌شود که باعث فقدان همبستگی در جامعه و موجب افزایش کشمکش اجتماعی و منازعه برای قدرت و ثروت می‌شود (بشیریه، ۱۳۷۳: ۴۸-۴۹). بر این اساس *آرک و سندلر* معتقدند وقتی گروه‌های مختلف جمعیت با هویت‌های متفاوت، سیاست‌های مغایر را دنبال می‌کنند، همواره انگیزه برای تولید خشونت فراهم است (Arce & Sandler, 2003)، *یوهان گالتونگ* معتقد است خشونت ساختاری و عدم عدالت اجتماعی و نابرابری باعث کشمکش و نزاع می‌شود (Galtung, 1990: 295) و هانتینگتون تقابل تمدن‌ها و هویت متفاوت در حوزه‌های اساسی نظیر دین، قومیت و ایدئولوژی را عامل اختلاف و گرایش به خشونت و جنگ می‌داند (هانتینگتون، ۱۳۷۸). بر مبنای همین رویکرد است که *آمارتیا سن*، هویت‌های منفرد یعنی تقسیم‌بندی هویتی جهان بر اساس مذهب را عامل اصلی خشونت ذکر می‌کند (Sen, 2006: 8). در همین چارچوب برخی دلیل پیوستن افراد به گروه‌های تروریستی و تکفیری را نتیجه بحران هویت ناشی از اسلام‌هراسی در غرب (کریمی‌مله و گرشاسبی، ۱۳۹۴: ۱۷۶-۱۷۵) یا در مواجهه تمدنی اسلام و غرب می‌دانند (پارسانیا، ۱۳۹۳) و برخی حتی زمینه‌های اجتماعی شکل‌گیری داعش را در قالب مفاهیم آنومی، حاشیای شدن و بیگانگی اجتماعی، آشوب و شورش توضیح می‌دهند (غرایاق زندی، ۱۳۹۵: ۶۶).

### پ- رویکرد اقتصادی

برخی از محققان توسل به خشونت و شکل‌گیری گروه‌های تکفیری و تروریستی را محصول شرایط اقتصادی همچون فقر و نابرابری می‌دانند. گرچه از یکسو افرادی چون *کروینگر و مالکوا* معتقدند نه تنها بین شرکت در فعالیت‌های خشونت‌آمیز در حیطه فردی، با وضعیت بد اقتصادی یا کیفیت پایین آموزش و پرورش رابطه معناداری وجود ندارد بلکه برعکس بین مشارکت در فعالیت‌های تروریستی و درآمد بیشتر و کیفیت

آموزشی بهتر رابطه مثبت دیده می‌شود (Krueger & Maleckova, 2003)، اما از سوی دیگر افرادی چون *سامارانایاک*، پژوهشگر سریلانکایی، بیکاری جوانان و رشد کند اقتصادی و تورم را عامل خشونت می‌داند (Samaranayake, 1999). بر اساس این رویکرد، تیلور معتقد است کشورهای دارای سطح بالای توسعه، دارای سطح پایینی از خشونت هستند (Taylor, 2002: 15). *عبدالمجید حسن بلو* معتقد است تفاوت شدید ثروتمندان و فقرا باعث خشونت می‌شود (Bello, 2003: 25) و بر همین اساس حتی از تعبیری به نام «صنعت خشم» با انگیزه تولید هراس بعنوان عامل تروریسم و گرایش به گروه‌های تروریستی نام برده می‌شود (نصری، ۱۳۹۵: ۱۰۳-۱۰۲). اهمیت رویکرد اقتصادی به حدی است که بسیاری از افرادی که در مورد عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری داعش تحقیق کرده‌اند به این باور رسیده‌اند که فقر، عدم توسعه و محرومیت باعث گرایش به فعالیت‌های غیرمسالمت‌آمیز توسط اعضای این گروه شده است (حیدری، ۱۳۹۳: ۵۸؛ شیخی، ۱۳۹۶).

#### ت- رویکرد فرهنگی

برخی پژوهشگران بر عوامل و زمینه‌های فرهنگی چون برداشت خاص از مذهب یا باورهای خاص تاریخی در رشد و گسترش گروه‌های تکفیری و تروریستی تأکید می‌کنند (Gunning & Jackson, 2011: 370) و حتی استفاده از واژگان کیهانی و دیالکتیکی از قبیل مؤمنین در مقابل کافران، نظم علیه هرج و مرج و عدالت علیه بی‌عدالتی توسط گروه‌های تکفیری را انعکاس سمبل‌های مذهبی و فرهنگی تلقی می‌نمایند (کلانتوری و نوری، ۱۳۹۳: ۱). در این چارچوب ویلسون (۲۰۰۵) معتقد است تقریباً تمام مذاهب اصلی جهان اعم از یهودیت، مسیحیت و اسلام در اصل خود، بذر تروریسم را دارند در حالی که رابرت پاپ (۲۰۰۵) انگیزه اصلی فعالیت‌های انتحاری را هویتی و در راستای تلاش برای دفاع از سرزمین‌های ملی-سیاسی- فرهنگی می‌داند (Kingsley, 2010: 558). برخی هم شکل‌گیری گروه‌های تکفیری و تروریستی را مربوط به برداشت تاریخی از مذهب می‌دانند (نوربخش و مهدی‌زاده، ۱۳۹۴) یا حتی علت تامه بوجود آمدن آنها را در وجود نگرشی خاص و برداشتی ویژه از اسلام می‌جویند (صادقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۵۸). بر مبنای همین نگرش است که کینگزلی معتقد است

«جهانی شدن» و شکاف فرهنگی بین فقرا و اغنیا باعث شکل‌گیری تروریسم شده است (Kingsley, 2010: 571-572).

### ث - رویکرد سیاسی

در میان رویکردهای مختلف، رویکرد سیاسی به تروریسم از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ چرا که بر مبنای آن گرایش به افراط‌گرایی و تروریسم محصول عملکرد دولت‌ها و ایدئولوژی‌های سیاسی می‌باشد. بر اساس نظر اسلاوی ژیتک، «نظام سرمایه‌داری» عامل ترویج خشونت است (ژیتک، ۱۳۹۷: ۱۸۱) در حالی که برخی حتی «دولت دموکراتیک» را عامل تروریسم می‌دانند (Corbin, 2010: 15). در همین چارچوب کامپس و گاسبنر معتقدند ناپایداری‌های سیاسی داخلی، دلیل اصلی تروریسم بین‌المللی است (Campos & Gassebner, 2009)؛ روتبرگ «شکست دولت» را علت اصلی تروریسم می‌داند (Rotberg, 2002)؛ چینار، علل ریشه‌ای تروریسم را ناشی از «سرخوردگی سیاسی» می‌داند (Cinar, 2009: 114-115)؛ هگهامر زمینه‌های شکل‌گیری گروه‌های تکفیری و تروریستی را به حمایت دولت‌های خاص از جمله عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا ربط می‌دهد (Hegghammer, 2010: 25-27) و برخی هم پیدایش این گروه‌ها را محصول رقابت‌های سیاسی و عملکرد اقتدار جهانی در منطقه خاورمیانه می‌دانند و معتقدند کشورهای نظیر عربستان، قطر، اردن، آمریکا و برخی دولت‌های اروپایی در این مسئله دخیل هستند (تودنهوفر، ۱۳۹۴؛ کلود و لیوالویس، ۲۰۱۷؛ عطوان، ۱۳۹۵؛ آذین و سیف‌زاده، ۱۳۹۴). در چارچوب رویکرد سیاسی همچنین از استبداد سیاسی حکومت‌ها و ضعف دموکراسی، ضعف نفوذ اجتماعی دولت و فرایند ملت‌سازی، تکثر قومی - مذهبی و وجود کشورهای شکننده و فضاهاى فاقد حاکمیت نیز بعنوان عامل شکل‌گیری گروه‌های تکفیری و تروریستی یاد شده است (اطاعت و دبیری، ۱۳۹۵).

### ج - نقد نظریات و دیدگاه‌های موجود

علی‌رغم پژوهش‌های گسترده‌ای که در باب چرایی گرایش به خشونت و تروریسم و گروه‌های تکفیری انجام شده، این پرسش که چه چیزی تروریسم را به وجود می‌آورد و چه کسی تروریست است تا اندازه زیادی پیچیده و مبهم باقی مانده و تحقیقاتی هم که در این باره صورت گرفته است اغلب جامع و کامل نیستند و به تبع آن تحقیقات در رابطه با



زمینه‌های شکل‌گیری گروه‌های تکفیری نیز ناقص هستند. گرچه در بالا پنج رویکرد درباره چرایی پیوستن افراد به گروه‌های تروریستی و علل شکل‌گیری گروه‌های تکفیری را مورد بررسی قرار داده شد اما هر کدام از این مدل‌ها چشم‌انداز و زاویه متفاوتی از پدیده تروریسم و گرایش به آن را به روی ما می‌کشایند. در واقع همانگونه که دیدیم هیچ یک از این رویکردها از نظر تئوریک کامل، خالص و ناب نیستند اما در عین حال نه تنها نمی‌توان همه نظریات و رویکردهای مربوط به عوامل و زمینه‌های پیوستن افراد به گروه‌های تکفیری یا تروریستی را کنار گذاشت بلکه استفاده تلفیقی از همه آنها در کنار یکدیگر نیز مستلزم حل تناقض‌های روشی و معرفتی است که فقط با یک چارچوب منسجم و در عین حال جامع و کامل قابل دستیابی است.

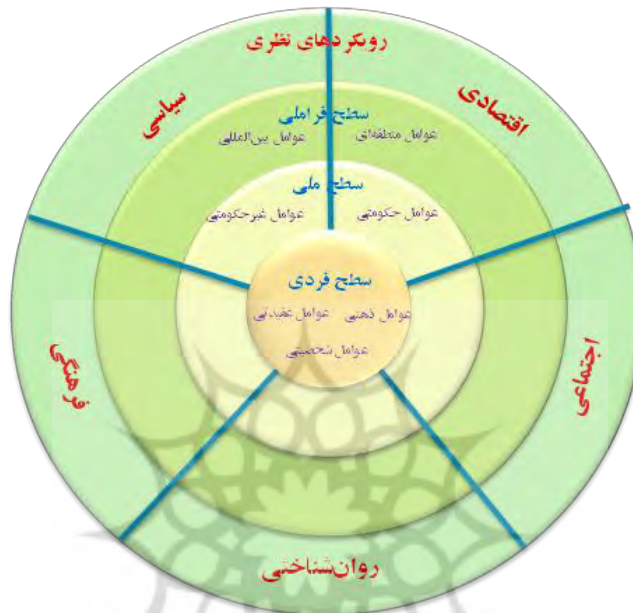
به عبارت دیگر برای بررسی دقیق و در عین حال جامع عوامل و زمینه‌های گرایش به گروه‌های تکفیری یا تروریستی باید از تقلیل‌گرایی هر یک از رویکردهای مذکور فراتر رفته و شبکه پیچیده روابط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... موثر بر موضوع را در قالبی گسترده‌تر مورد بررسی قرار داد. بدیهی است که این کار جز با شکستن انزوایی که تخصص‌گرایی آکادمیک برای ما وضع کرده و نظریه‌پردازی در این زمینه را در ذیل یک زمینه تخصصی محدود کرده، امکان‌پذیر نیست. در واقع این پژوهش سعی می‌کند در عین پرهیز از افتادن به دام تقلیل‌گرایی از یکسو و گسیختگی و عدم انسجام از سوی دیگر، این محدودیت‌ها و انزوا را نیز بشکند و یک چارچوب جامع و کامل بین‌رشته‌ای در باب فهم عوامل و زمینه‌های گرایش به گروه‌های تکفیری یا تروریستی در اختیار پژوهشگران این حوزه قرار دهد و در عین حال بتواند ضعف‌های مطالعات موجود در این حوزه را در قالب چارچوبی جامع‌نگر، اما دقیق و قابل سنجش به حداقل برساند.

### چ- چارچوبی برای شناخت و سنجش عوامل و زمینه‌های گرایش به گروه‌های تکفیری

بر مبنای نقدهای ذکر شده به رویکردهای مختلف، برای درک بهتر و شناخت کافی زمینه‌های گرایش به گروه‌های تکفیری لازم است یک چارچوب تئوریک منسجم داشته که در عین حال که به عوامل هر سه سطح فردی، ملی و فراملی توجه دارد، ارتباط موضوع با رویکردهای نظری مختلف را نیز برقرار کند. بر این اساس چارچوب زیر را به

عنوان مبنای مطالعه خود انتخاب کرده و در ادامه، این چارچوب و ارتباط عوامل مختلف آن در قالب سطوح و رویکردهای مختلف تبیین می‌شود:

شکل ۱- چارچوب نظری شناخت و سنجش عوامل و زمینه‌های گرایش به گروه‌های تکفیری



در واقع چارچوب نظری این پژوهش مبتنی بر ترکیب عوامل و زمینه‌های سطح فردی، ملی و فراملی از یکسو و ارتباط برقرار کردن بین رویکردهای مذکور است. منظور از سطح فردی، احساس شخصیتی، ذهنی و عقیدتی کنشگران در برابر عوامل محیط داخلی و بیرونی است. منظور از سطح ملی، محیط داخلی کشور است که در قالب دو بخش حکومتی و غیرحکومتی مورد بررسی قرار می‌گیرند و در نهایت سطح فراملی نیز به رقابت‌های ایدئولوژیک و منافع اقتصادی و بازی‌های سیاسی دولت‌ها در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی مربوط می‌شود. بعبارت دیگر تلاش بر این است که در عین توجه به عوامل و زمینه‌های مختلف بر اساس رویکرد تلفیقی - تطبیقی، میزان اهمیت و وزن هر یک از متغیرهای اثرگذار بر گرایش به گروه‌های تکفیری در قالب جدول زیر مشخص شود:

جدول ۱- متغیرهای اثرگذار بر گرایش به گروه‌های تکفیری

سطح فردی		
شخصیتی	ذهنی	عقیدتی
خودکمترینی	احساس محرومیت	عقلانیت‌گریزی
ستیزه‌جویی	بی‌اعتمادی	قشری‌گری
اقتدارگرایی	نالامیدی	تکفیرگرایی
ناشکیبایی	تریت نادرست	خشونت‌گرایی
کینه‌توزی	توهم توطئه	جهادگرایی
احساس وظیفه	میزان آگاهی	ارتدادگرایی
احساس گناه	احساس تبعیض	دشمن‌ستیزی
سرسختی		تروریسم
اطاعت- سازگاری		دین بدون واسطه
وابستگی به امت جهانی		
ناکامی- پر خاشاگری		
سطح ملی		
حکومتی	غیرحکومتی	
سیاست	اقتصاد	جغرافیا
ماهیت نظام سیاسی	فقر	عصیبت‌های قومی و فرقه‌ای
رعایت حقوق سیاسی	نابرابری	دوری از مرکز
کنترل رسانه‌ها	نابرابری اجتماعی	نزدیکی به محل بحران
ثبات سیاسی	بحران هویت	در حاشیه بودن
سرخوردگی سیاسی	حفظ ارزش‌ها	تأثیر جهانی شدن
حمایت‌های خارجی	عدالت اجتماعی	گسترش ارتباطات
نفوذ اجتماعی دولت	تضادهای اجتماعی	کار قانونی
فرایند دولت- ملت‌سازی	محرومیت اجتماعی	درآمد
تکثر قومی- مذهبی	تعصبات مذهبی	
سیاست‌های استعماری	هویت‌های ضددولتی	
احساس امنیت		
سطح فراملی		
منطقه‌ای	بین‌المللی	
قطب‌بندی منطقه‌ای	رقابت تسلیحاتی	
تعارضات سیاسی	نفوذ اقتصادی	
شکاف‌های هویتی	حضور در نقاط راهبردی	
سطح توسعه	امنیت هم‌پیمانان	
ذخایر و منابع		
خلأ امنیتی		

### روش‌شناسی و توصیف متغیرهای تحقیق

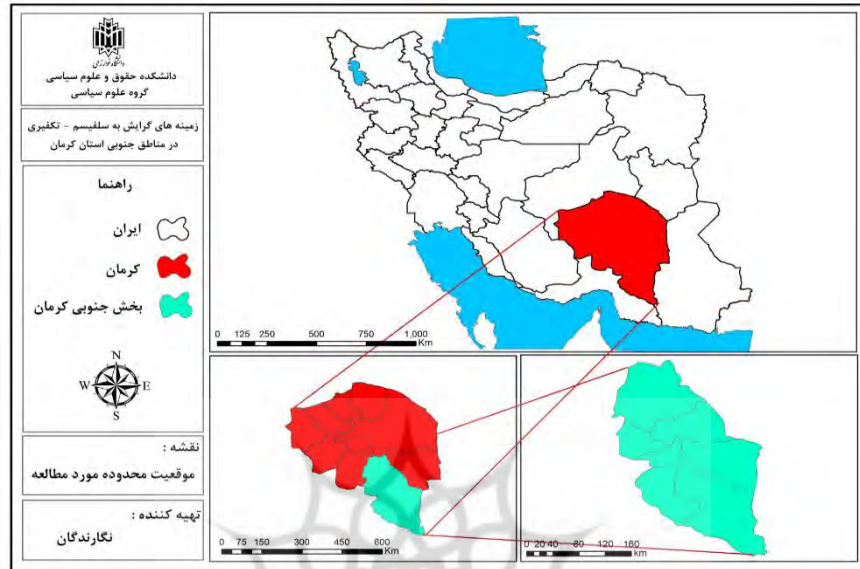
پس از مشخص شدن چارچوب نظری و متغیرهای اثرگذار بر میزان گرایش به گروه‌های تکفیری، بایستی روش بکارگیری این چارچوب در موردی خاص که در این مقاله مناطق جنوبی استان کرمان است مشخص شود. بر این اساس در این بخش ضمن مشخص کردن مبانی روشی به بررسی توصیفی متغیرهای زمینه‌ای تحقیق نیز پرداخته می‌شود.

#### الف- روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش بیش از آنکه یک تحقیق نظری و کتابخانه‌ای باشد، تحقیقی مبتنی بر واقعیت‌های نظام اجتماعی منطقه مورد نظر یعنی جنوب استان کرمان است. تحقیق در این زمینه مستلزم بکارگیری روشی است که فرصت استفاده از داده‌های کمی در کنار داده‌های نظری و کیفی را فراهم آورد. بر این اساس برای گردآوری داده‌ها، از روش تحقیق آمیخته تشریحی استفاده می‌شود که علاوه بر پاسخ به سوالات، فرصت بررسی سطوح سه‌گانه چارچوب نظری را نیز فراهم می‌آورد.

در واقع در این تحقیق که از لحاظ هدف یک تحقیق کاربردی-توسعه‌ای است در مرحله گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و اسنادی و همچنین از پرسشنامه استفاده می‌شود. همچنان که گفته شد، جامعه آماری این پژوهش مناطق جنوبی استان کرمان است که با وسعتی معادل ۳۸۸۲۴ کیلومتر مربع جزئی از ناحیه جنوب شرقی ایران محسوب شده و بر روی طول جغرافیایی ۵۶ درجه و ۱۷ دقیقه و عرض جغرافیایی ۲۶ درجه و ۴۳ دقیقه واقع شده است. این منطقه از شمال به کرمان، از جنوب به باتلاق جازموریان و استان هرمزگان، از شرق به استان سیستان و بلوچستان و بم، از غرب به شهرستان بافت و قسمتی از استان هرمزگان محدود شده است. منطقه جنوب کرمان با هفت شهرستان جیرفت، کهنوج، عنبرآباد، منوجان، رودبار جنوب، قلعه گنج و فاریاب جمعاً شامل ۱۳ شهر، ۱۶ بخش، ۴۴ دهستان و ۳۹۰۱ آبادی است و جمعیتی حدود ۷۷۰.۰۰۰ نفر در آن سکونت دارند. نقشه ذیل محدوده مورد مطالعه را به وضوح نشان می‌دهد:

شکل ۲- موقعیت محدوده مورد مطالعه



برای نمونه‌گیری از روش طبقه‌ای متناسب با جمعیت استفاده شده و با توجه به ویژگی‌های جامعه آماری، بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر برای پاسخ به پرسشنامه انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی استفاده می‌شود. در تحلیل داده‌های کمی از نرم‌افزار آماری SPSS و تکنیک‌های مکمل مانند تحلیل مسیر و تحلیل GRA هم استفاده می‌شود.

#### ب- توصیف متغیرهای زمینه‌ای تحقیق

بر اساس داده‌های بدست آمده از متغیرهای زمینه‌ای، تعداد پاسخگویان بر اساس شهرستان در رودبار جنوب ۱۳۸ درصد (۵۳ نفر)، عنبرآباد ۱۰۷ درصد (۴۱ نفر)، کهنوج ۱۲۵ درصد (۴۸ نفر)، فاریاب ۴۴ درصد (۱۷ نفر)، منوجان ۸۶ درصد (۳۳ نفر)، جیرفت ۴۰۱ درصد (۱۵۴ نفر) و قلعه گنج ۹۹ درصد (۳۸ نفر) را تشکیل می‌دهند. از مجموع پاسخگویان مورد مطالعه در این تحقیق، شیعیان ۹۰۱ درصد (۳۴۶ نفر) و اهل تسنن ۹۰۹ درصد (۳۸ نفر) را شامل می‌شوند. در این میان ۴۶۱ درصد (۱۷۷ نفر) را زنان و ۵۳۹ درصد (۲۰۷ نفر) را مردان تشکیل می‌دهند. در این تحقیق ۱۷۹ نفر (۴۶۶ درصد) از

پاسخگویان مجرد و ۲۰۵ نفر (۵۳.۴ درصد) متاهل هستند که شامل ۹۵ نفر (۴۵.۹ درصد) از مردان و ۱۱۰ نفر (۶۲.۱ درصد) از زنان می‌شود. بر اساس این داده‌ها ۱۴.۳ درصد بی‌سواد، ۱۰.۹ درصد دارای سواد ابتدایی، ۲۶ درصد متوسطه، ۲۷.۳ درصد دیپلم، ۸.۱ درصد فوق دیپلم، ۸.۱ درصد لیسانس، ۵.۲ درصد فوق لیسانس و صفر درصد دکترا هستند. مقایسه درصد‌های فوق نشان می‌دهد که بیشترین تعداد (۲۷.۳ درصد) پاسخگویان سطح تحصیلاتشان دیپلم و کمترین تعداد (صفر درصد) پاسخگویان دکترا هستند. همچنین ۴۸ نفر (۲۷.۱ درصد) از زنان تحصیلاتشان در سطح دیپلم و ۶۲ نفر (۳۰ درصد) از مردان سطح تحصیلاتشان متوسطه می‌باشد.

بیشترین تعداد پاسخگویان (۳۲.۳ درصد) به گروه سنی ۲۵ تا ۳۰ ساله تعلق دارند و کمترین تعداد پاسخگویان (۳.۶ درصد) در گروه سنی ۴۰ تا ۴۵ ساله و بالاتر از ۵۰ سال قرار دارند. دامنه تغییرات سن در نمونه آماری بین سال ۲۵ تا ۳۵ و میانگین آن ۳۱.۴ سال می‌باشد. فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان مطالعه نشان می‌دهد که بیشترین تعداد پاسخگویان یعنی ۲۷۲ نفر (۷۰.۸ درصد) دارای میزان مطالعه کمتر از ۱۵ دقیقه در هفته هستند. همچنین کمترین تعداد پاسخگویان یعنی ۴ نفر (۱ درصد) دارای میزان مطالعه بیش از ۲.۵ ساعت هستند. دامنه تغییرات میزان مطالعه در نمونه آماری بین کمتر از ۱۵ دقیقه تا ۴۵ می‌باشد و میانگین مطالعه در هفته کمتر از ۲۹.۵ دقیقه می‌باشد. توزیع پاسخگویان بر حسب قیمت منزل مسکونی نشانگر آن است که بیشترین تعداد پاسخگویان معادل ۲۹۶ نفر (۷۷.۱ درصد) دارای قیمت منزل مسکونی زیر ۵۰ میلیون تومان می‌باشند، در حالی که کمترین تعداد پاسخگویان (صفر درصد) دارای منزل مسکونی بالاتر از ۱۵۰ میلیون تومان بوده است. دامنه تغییرات منزل مسکونی بین ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون و میانگین آن ۶۵ میلیون تومان می‌باشد.

#### پ- توصیف متغیرهای اصلی پژوهش

متغیرهای اصلی تحقیق در سه سطح فردی، ملی و فراملی مورد توجه قرار گرفته‌اند که در ادامه به تفکیک به بررسی آنها می‌پردازیم:

### \* مقایسه متغیرهای سطح فردی

عوامل و زمینه‌های سطح فردی گرایش به گروه‌های تکفیری با استفاده از ۳۰ سوال در قالب طیف لیکرت و بر حسب سه متغیر شخصیتی، ذهنی و عقیدتی مورد سنجش قرار گرفت. جداول زیر وضعیت کلی سطح فردی و همچنین توزیع پاسخ‌ها بر حسب متغیرهای شخصیتی، ذهنی و عقیدتی را بر اساس نمره ۱ تا ۵ نشان می‌دهند:

جدول ۲- توزیع پاسخ‌ها بر حسب متغیرهای سطح فردی

وضعیت سطح فردی	تعداد	درصد	درصد تجمعی
خیلی کم	-	-	-
کم	-	-	-
متوسط	۱۰۰	۲۶	۲۶
زیاد	۲۳۱	۶۰.۲	۸۶.۲
خیلی زیاد	۵۳	۱۳.۸	۱۰۰
جمع کل	۳۸۴	۱۰۰	-
میانگین		۳.۸۷	
انحراف معیار		۰.۶۲	

داده‌های جدول فوق توزیع پاسخ‌ها بر حسب عوامل و زمینه‌های سطح فردی را نشان می‌دهد. بر اساس داده‌های جدول، بیشترین توزیع فراوانی سطح فردی پاسخگویان مربوط به گزینه زیاد (۶۰/۲ درصد) و کمترین میزان مربوط به گزینه‌های خیلی کم و کم (بدون درصد) است. جمع پاسخ‌های زیاد و خیلی زیاد نشانگر آن است که همبستگی میان متغیرهای سطح فردی و گرایش به گروه‌های تکفیری به میزان ۷۴ درصد است. البته هر سه متغیر از وضعیت یکسانی برخوردار نیستند. متغیر شخصیتی با ۷۹/۲ درصد، متغیر ذهنی با ۷۳/۴ درصد و متغیر عقیدتی با ۴۱/۴ درصد به ترتیب بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته دارند. میانگین پاسخگویان نزدیک به زیاد، یعنی ۳/۸۷ از ۵ است. جدول زیر وضعیت پراکندگی پاسخ‌ها را بر حسب متغیرهای سطح فردی نشان می‌دهند:

جدول ۳- پراکندگی پاسخ‌ها بر حسب متغیرهای سطح فردی

متغیرها	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	تعداد	درصد	میانگین	انحراف معیار
شخصیتی	-	۲	۷۸	۱۹۹	۱۰۵	۳۰۴	۷۹.۲	۴.۰۵	۰.۷۰
ذهنی	-	۱۶	۸۶	۱۸۹	۹۳	۲۸۲	۷۳.۴	۳.۹۳	۰.۷۹
عقیدتی	-	۲۰	۲۰۵	۱۴۵	۱۴	۱۵۹	۴۱.۴	۳.۳۹	۰.۶۴

### \* مقایسه متغیرهای سطح ملی

عوامل و زمینه‌های سطح ملی با استفاده از ۲۸ سوال در قالب طیف لیکرت و بر حسب دو محیط حکومتی و غیرحکومتی و چهار متغیر سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی مورد سنجش قرار گرفته است. جدول زیر میزان کلی سطح ملی و همچنین توزیع پاسخ‌ها بر حسب متغیرهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی را بر اساس نمره ۱ تا ۵ نشان می‌دهد:

جدول ۴- توزیع پاسخ‌ها بر حسب متغیرهای سطح ملی

وضعیت سطح ملی	تعداد	درصد	درصد تجمعی
خیلی کم	-	-	-
کم	-	-	-
متوسط	۶۷	۱۷.۴	۱۷.۴
زیاد	۲۸۶	۷۴.۵	۹۱.۹
خیلی زیاد	۳۱	۸.۱	۱۰۰
جمع کل	۳۸۴	۱۰۰	-
میانگین		۳.۹۰	
انحراف معیار		۰.۴۹	

بر اساس داده‌های جدول فوق بیشترین توزیع فراوانی سطح ملی پاسخگویان مربوط به سطح زیاد (۷۴/۵ درصد) و کمترین میزان مربوط به سطح خیلی کم و کم (بدون درصد) است. میانگین پاسخگویان نزدیک به زیاد، یعنی ۳/۹۰ از ۵ است. جدول زیر وضعیت پراکندگی پاسخ‌ها را بر حسب متغیرهای سطح ملی نشان می‌دهند:



عوامل و زمینه‌های گرایش به گروه‌های تکفیری؛ بررسی موردی ... | خلیلی و همکاران | ۲۵

جدول ۵- پراکندگی پاسخ‌ها بر حسب متغیرهای سطح ملی

مؤلفه‌ها	خیلی کم	کم	بی نظر	زیاد	خیلی زیاد	تعداد	درصد	میانگین	انحراف معیار
سطح سیاسی	۳	۴	۱۲۶	۱۹۹	۵۲	۱۵۱	۶۵/۳	۳/۷۶	۰/۷۲
سطح اجتماعی	-	-	۱۱۴	۲۳۹	۳۱	۲۷۰	۷۰/۳	۳/۷۸	۰/۵۷
سطح اقتصادی	۵	۸	۴۱	۶۹	۲۶۱	۳۳۰	۸۶	۴/۴۹	۰/۸۶
سطح جغرافیایی	-	۱۲	۸۶	۱۶۲	۱۲۴	۲۸۶	۷۴/۵	۴/۰۳	۰/۸۱

### مقایسه متغیرهای سطح فراملی

عوامل و زمینه‌های سطح فراملی با استفاده از ۱۲ سوال برحسب دو محیط منطقه‌ای و بین‌المللی مورد سنجش قرار گرفته است. جدول زیر میزان کلی سطح فراملی و توزیع پاسخگویان بر حسب متغیرهای منطقه‌ای و بین‌المللی را بر اساس نمره ۱ تا ۵ نشان می‌دهد:

جدول ۶- توزیع پاسخ‌ها بر حسب متغیرهای سطح فراملی

وضعیت سطح فراملی	تعداد	درصد	درصد تجمعی
خیلی کم	-	-	-
کم	۴	۱	۱
متوسط	۱۴۵	۳۷/۸	۳۸/۸
زیاد	۱۷۴	۴۵/۳	۸۴/۱
خیلی زیاد	۶۱	۱۵/۹	۱۰۰
جمع کل	۳۸۴	۱۰۰	-
میانگین		۳/۷۶	
انحراف معیار		۰/۷۲	

داده‌های جدول نشان می‌دهد که بیشترین توزیع فراوانی پاسخگویان مربوط به سطح زیاد (۴۳/۳ درصد) و کمترین میزان مربوط به سطح خیلی کم (بدون درصد) و سطح کم (۱ درصد) است. میانگین پاسخگویان نزدیک به سطح زیاد، یعنی ۳/۷۶ از ۵ است و میزان

انحراف معیار در داده‌های سطح فراملی ۰/۷۲ است. جدول و نمودار زیر وضعیت پراکندگی پاسخ‌ها را بر حسب متغیرهای سطح فراملی نشان می‌دهند:

جدول ۷- پراکندگی پاسخ‌ها بر حسب متغیرهای سطح فراملی

انحراف معیار	میانگین	درصد	تعداد	خیلی زیاد	زیاد	بی نظر	کم	خیلی کم	متغیرها
۰.۸۹	۳.۶۸	۶۱/۲	۱۳۵	۷۰	۱۶۵	۱۰۸	۴۱	-	منطقه‌ای
۰.۷۹	۴.۰۳	۷۵/۸	۲۹۱	۱۱۶	۱۷۵	۸۲	۱۱	-	بین‌المللی

### یافته‌های استنباطی

در این بخش سعی می‌شود از داده‌های بدست آمده به اطلاعاتی دقیق در مورد جامعه آماری یعنی ساکنین مناطق جنوبی استان کرمان دست یافت.

**الف- بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای با متغیر گرایش به گروه‌های تکفیری**  
 نتایج تحقیق حاکی از آن است که گرایش به گروه‌های تکفیری بعنوان متغیر وابسته پژوهش در شهرستان‌های مختلف جنوب استان کرمان متفاوت است. جدول زیر میزان گرایش را بر حسب شهرستان‌های استان کرمان نشان می‌دهد:

جدول ۸- مقایسه میانگین گرایش به گروه‌های تکفیری بر حسب شهرستان‌های جنوب استان کرمان

شهر	متغیر تغییرات	تفاوت میانگین‌ها	خطای استاندارد	سطح معناداری sig
رودبار	کهنوج	۰/۰۰۵	۰/۰۸۸	۰/۹۴۷
	منوجان	۰/۰۶۴	۰/۰۹۸	۰/۵۱۳
	فاریاب	-۰/۱۷۴	۰/۱۲۳	۰/۱۶۱
	قلعه گنج	-۰/۱۸۸	۰/۰۹۴	۰/۰۵۷
	عنبرآباد	۰/۲۸۴	۰/۰۹۲	۰/۰۰۲
	جیرفت	۰/۱۸۳	۰/۰۷۰	۰/۰۱۰
عنبرآباد	کهنوج	-۰/۲۷۸	۰/۰۹۴	۰/۰۰۳
	منوجان	-۰/۲۲۰	۰/۱۰۴	۰/۰۳۵
	فاریاب	-۰/۴۵۹	۰/۱۲۸	۰/۰۰۰
	قلعه گنج	-۰/۴۷۳	۰/۱۰۰	۰/۰۰۰
	جیرفت	-۰/۱۰۱	۰/۰۷۸	۰/۱۹۶
رودبار	-۰/۲۸۴	۰/۰۹۲	۰/۰۰۳	

ادامه جدول ۸-

شهر	منبع تغییرات	تفاوت میانگین‌ها	خطای استاندارد	سطح معناداری sig
کهنوج	جیرفت	۰/۱۷۷	۰/۰۷۳	۰/۰۱۶
	منوجان	۰/۰۵۸	۰/۱۰۰	۰/۵۶۰
	فاریاب	-۰/۱۸۰	۰/۱۲۵	۰/۱۵۲
	قلعه گنج	-۰/۱۹۴	۰/۰۹۶	۰/۰۴۵
	رودبار	-۰/۰۰۵	۰/۰۸۸	۰/۹۴۷
	عنبرآباد	۰/۲۷۸	۰/۰۹۴	۰/۰۰۳
فاریاب	کهنوج	۰/۱۸۰	۰/۱۲۵	۰/۱۵۲
	منوجان	۰/۲۳۸	۰/۱۳۲	۰/۰۷۳
	قلعه گنج	-۰/۰۱۳	۰/۱۲۹	۰/۹۱۵
	عنبرآباد	۰/۴۵۹	۰/۱۲۸	۰/۰۰۰
	رودبار	۰/۱۷۴	۰/۱۲۳	۰/۱۶۱
منوجان	جیرفت	۰/۳۵۷	۰/۱۱۳	۰/۰۰۲
	کهنوج	-۰/۰۵۸	۰/۱۰۰	۰/۵۶۰
	فاریاب	-۰/۲۳۸	۰/۱۳۲	۰/۰۷۳
	قلعه گنج	-۰/۲۵۲	۰/۱۰۵	۰/۰۱۷
	عنبرآباد	۰/۲۲۰	۰/۱۰۴	۰/۰۳۵
	رودبار	-۰/۰۶۴	-۰/۰۹۸	۰/۵۱۳
	جیرفت	۰/۱۱۹	۰/۰۸۵	۰/۱۶۴
جیرفت	منوجان	-۰/۱۱۹	۰/۰۸۵	۰/۱۶۴
	فاریاب	-۰/۳۵۷	۰/۱۱۳	۰/۰۰۲
	قلعه گنج	-۰/۳۷۱	۰/۰۸۰	۰/۰۰۰
	عنبرآباد	۰/۱۰۱	۰/۰۷۸	۰/۱۹۶
	رودبار	-۰/۱۸۳	۰/۰۷۰	۰/۰۱۰
	کهنوج	-۰/۱۱۷	۰/۰۷۳	۰/۰۱۶
قلعه گنج	کهنوج	۰/۱۹۴	۰/۰۹۶	۰/۰۵۵
	منوجان	۰/۲۵۲	۰/۱۰۵	۰/۰۱۷
	فاریاب	۰/۰۱۳	۰/۱۲۹	۰/۹۱۵
	عنبرآباد	۰/۴۷۳	۰/۱۰۰	۰/۰۰۰
	رودبار	۰/۱۸۸	۰/۰۹۴	۰/۰۵۷
	جیرفت	۰/۳۷۱	۰/۰۸۰	۰/۰۰۰

مقایسه داده‌های جدول نشان می‌دهد که بین میانگین شهرهای جنوب استان کرمان بر حسب گرایش به گروه‌های تکفیری، تفاوت معناداری وجود دارد و نتیجه آزمون F (تحلیل واریانس یک‌طرفه) نشان می‌دهد که بین میانگین گرایش به این گروه‌ها در شهرستان‌های رودبار، قلعه گنج، منوجان، کهنوج و فاریاب تفاوت زیادی وجود ندارد، ولی بین این شهرستان‌ها و شهرستان‌های جیرفت و عنبرآباد تفاوت معنادار است.

ب- مقایسه میانگین گرایش به گروه‌های تکفیری بر حسب جنسیت همچنان که داده‌های جدول زیر نشان می‌دهند، تفاوت میانگین گرایش به گروه‌های تکفیری در بین زنان (۳/۸۶) و مردان (۳/۸۵) از لحاظ آماری معنادار نیست:

جدول ۹- نتایج آزمون معناداری تفاوت میانگین گرایش به گروه‌های تکفیری بر حسب جنسیت

متغیر	جنسیت	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	سطح معناداری sig
گرایش به گروه‌های تکفیری	مرد	۲۰۷	۳/۸۵	۰/۴۸	-۰/۱۹	۰/۸۴۴
	زن	۱۷۷	۳/۸۶	۰/۴۴		

پ- مقایسه میانگین میزان گرایش به گروه‌های تکفیری بر حسب مذهب مقایسه میانگین گرایش به گروه‌های تکفیری در بین طرفداران مذهب تشیع با (۳/۸۱) و اهل تسنن با (۴/۲۸) حاکی از آن است که تفاوت معناداری بین آنها وجود دارد. بعبارت دیگر این داده‌ها نشانگر آن است که میانگین گرایش به این گروه‌ها در بین طرفداران مذهب اهل سنت بالاتر از شیعیان است و تمایل بیشتری به گروه‌های تکفیری در بین اهل سنت ساکن در مناطق جنوبی استان کرمان وجود دارد. مقایسه این داده‌ها را در جدول زیر می‌توان دید:

جدول ۱۰- نتایج آزمون معناداری تفاوت میانگین گرایش به گروه‌های تکفیری بر حسب مذهب

متغیر	مذهب	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	سطح معناداری sig
گرایش به گروه‌های تکفیری	تشیع	۳۴۶	۳/۸۱	۰/۴۳	-۰/۳۲	۰/۰۰۰
	تسنن	۳۸	۴/۲۸	۰/۵۱		

ت- مقایسه میانگین میزان گرایش به گروه‌های تکفیری بر حسب وضعیت تاهل بررسی داده‌های تحقیق بر اساس وضعیت تاهل که در جدول زیر آمده نشان می‌دهد که میانگین میزان گرایش به گروه‌های تکفیری در بین افراد مجرد ۳/۷۷ و در بین افراد متأهل

عوامل و زمینه‌های گرایش به گروه‌های تکفیری؛ بررسی موردی ... | خلیلی و همکاران | ۲۹

۳/۹۳ است که این تفاوت میانگین از لحاظ آماری معنادار است و نشان می‌دهد که میزان گرایش به گروه‌های تکفیری در بین افراد متاهل بیشتر از افراد مجرد است.

جدول ۱۱- نتایج آزمون معناداری تفاوت میانگین گرایش به گروه‌های تکفیری بر حسب وضعیت تأهل

متغیر	تأهل	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	سطح معناداری
گرایش به گروه‌های تکفیری	مجرد	۱۷۹	۳/۷۷	۰/۳۹	۳/۵۴	۰/۰۰۰
	متاهل	۲۰۵	۳/۹۳	۰/۵۱		

ث- ماتریس همبستگی متغیرهای زمینه‌ای با متغیر وابسته؛ گرایش به گروه‌های تکفیری

از میان متغیرهای زمینه‌ای، متغیر قیمت منزل مسکونی با گرایش به گروه‌های تکفیری دارای رابطه منفی (۰/۲۶-) است. در واقع با افزایش قیمت منزل مسکونی از میزان گرایش به گروه‌های تکفیری کاسته می‌شود و بالعکس با کاهش میزان قیمت منزل مسکونی بر میزان گرایش به گروه‌های تکفیری افزوده می‌شود. متغیر میزان مطالعه نیز با گرایش به گروه‌های تکفیری دارای رابطه منفی (۰/۱۵-) می‌باشد. بدین معنی که با افزایش میزان مطالعه از میزان گرایش به گروه‌های تکفیری کاسته می‌شود. این در حالی است که رابطه بین متغیر سن با میزان گرایش به گروه‌های تکفیری مثبت (۰/۱۲) است، یعنی با افزایش سن افراد بر میزان گرایش آنها به گروه‌های تکفیری افزوده می‌شود و بالعکس با کاهش سن افراد از میزان گرایش آنها به گروه‌های تکفیری کاسته می‌شود. اما بین متغیر تحصیلات و متغیر گرایش به گروه‌های تکفیری ارتباط بسیار ناچیزی وجود دارد. سطح معناداری متغیرهای زمینه‌ای با میزان گرایش به گروه‌های تکفیری را در جدول زیر به صورت خلاصه می‌توان مشاهده کرد:

جدول ۱۲- ماتریس همبستگی متغیرهای زمینه‌ای با متغیر وابسته (گرایش به گروه‌های تکفیری)

متغیر	تحصیلات		
	تعداد	ابعاد	ضریب همبستگی پیرسون
گرایش به گروه‌های تکفیری	۳۸۴	تحصیلات	-۰/۰۷
		سن	۰/۱۲
		میزان مطالعه	-۰/۱۵
		قیمت منزل مسکونی	-۰/۲۶
		سطح معناداری	
		۰/۱۳۶	
		۰/۰۱۵	
		۰/۰۰۳	
		۰/۰۰۰	

ج- ماتریس ضرایب همبستگی میان متغیرهای مستقل و زمینه‌ای با متغیر وابسته مقایسه ضرایب همبستگی میان متغیرهای مستقل (سطح فردی، سطح ملی و سطح فراملی) با متغیر وابسته (گرایش به گروه‌های تکفیری) در جدول زیر حاکی از آن است که گرایش به این گروه‌ها بیشترین میزان همبستگی را با متغیرهای سطح ملی (۰/۵۸) دارد. بدین معنی که با افزایش در میزان متغیرهای سطح ملی، میزان گرایش به گروه‌های تکفیری هم افزایش می‌یابد و بالعکس با کاهش میزان متغیرهای سطح ملی از میزان گرایش به گروه‌های تکفیری هم کاسته می‌شود. پس از متغیرهای سطح ملی بیشترین میزان همبستگی میان متغیرهای سطح فراملی با گرایش به گروه‌های تکفیری (۰/۵۵ درصد) وجود دارد و میزان همبستگی میان متغیرهای سطح فردی با میزان گرایش به گروه‌های تکفیری با ۰/۴۶ درصد در رده آخر قرار می‌گیرد:

جدول ۱۳- جدول ماتریس ضرایب همبستگی میان متغیرهای مستقل با متغیر وابسته

متغیرها	سطح فردی	سطح ملی	سطح فراملی	گرایش به گروه‌های تکفیری
سطح فردی	همبستگی	۰/۱۴۱**	۰/۱۰۳*	۰/۴۶۷**
	معناداری	۰/۰۰۶	۰/۰۴۳	۰/۰۰۰
	تعداد	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴
سطح ملی	همبستگی	۰/۱۴۱**	۱	۰/۵۸۸**
	معناداری	۰/۰۰۶	-	۰/۰۰۰
	تعداد	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴
سطح فراملی	همبستگی	۰/۵۵۴**	۰/۵۱۹**	۰/۵۵۴**
	معناداری	۰/۰۴۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	تعداد	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴
گرایش به گروه‌های تکفیری	همبستگی	۰/۴۶۷**	۰/۵۸۸**	۱
	معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	تعداد	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴

\*\*همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنادار می‌باشد. \*همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار می‌باشد.

چ- تحلیل رگرسیونی عوامل موثر بر گرایش به گروه‌های تکفیری در این پژوهش از آمار رگرسیون چند متغیره به شیوه گام به گام استفاده شده است. در این روش ابتدا متغیری وارد معادله می‌شود که بیشترین میزان  $R^2$  را داشته باشد و با ورود

هر متغیر جدید تمامی متغیرهای موجود در معادله مجدداً ارزیابی می‌شوند و هر کدام از آنها که شرط خروج را داشته باشد، از معادله خارج می‌شود. تحلیل رگرسیون چندمتغیره گرایش به گروه‌های تکفیری مشتمل بر متغیرهای زمینه‌ای و مستقل است که در پژوهش سنجیده و نتایج آن در جدول زیر ترسیم شده است:

جدول ۱۴- خلاصه مدل رگرسیونی چندمتغیره برای تبیین گرایش به گروه‌های تکفیری

متغیرها	ضریب همبستگی R	ضریب تبیین R <sup>2</sup>	ضریب تبیین تعدیل شده	آنووا F	سطح معناداری
سطح ملی	۰/۵۸	۰/۳۴	۰/۳۴	۲۰۲/۰۴	۰/۰۰۰
سطح فردی	۰/۷۰	۰/۴۹	۰/۴۹	۱۸۷/۶۶	۰/۰۰۰
سطح فراملی	۰/۷۵	۰/۵۷	۰/۵۷	۱۵/۷۳	۰/۰۰۰
سن	۰/۷۹	۰/۵۷	۰/۶۲	۸/۵۹	۰/۰۰۰

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد متغیرهای مستقلی که در معادله رگرسیونی باقی مانده‌اند در مجموع ۰/۶۲ درصد با گرایش به گروه‌های تکفیری رابطه دارند و این متغیرها به طور همزمان ۰/۶۲ درصد از واریانس گرایش به گروه‌های تکفیری را تبیین می‌کنند. گام نخست (مدل شماره یک) از تحلیل رگرسیونی فوق بیانگر آن است که متغیر سطح ملی موثرترین متغیر برای گرایش به گروه‌های تکفیری بوده، بدین صورت که میزان ضریب همبستگی این متغیر برای گرایش به گروه‌های تکفیری ۵۸ درصد است و به تنهایی ۳۴ درصد از تغییرپذیری متغیر وابسته (گرایش به گروه‌های تکفیری) را تبیین می‌کند. در گام بعدی (مدل شماره ۲) متغیر سطح فردی، وارد معادله رگرسیونی شده است که با ورود این متغیر ضریب همبستگی تعدیل شده با افزایشی معادل ۱۵ واحد، از ۰/۳۴ به ۰/۴۹ رسیده است. ضریب تبیین نشان می‌دهد که ۰/۴۹ درصد از واریانس گرایش به گروه‌های تکفیری توسط سطح ملی و فردی مشخص می‌شود. در گام بعدی (مدل شماره ۳) متغیر سطح فراملی، وارد معادله رگرسیونی شده است که با ورود این متغیر ضریب همبستگی تعدیل شده با افزایشی معادل ۸ واحد، از ۰/۴۹ به ۰/۵۷ رسیده است که این وضعیت نشانگر تأیید فرضیه مقاله یعنی همبستگی مثبت بین همزمانی متغیرهای مستقل و افزایش مقدار متغیر وابسته است. همچنین با ورود متغیر سن

(مدل شماره ۴) به معادله رگرسیونی، ضریب همبستگی تعدیل شده با افزایشی معادل ۵ واحد، از ۰/۵۷ به ۰/۶۲ رسیده است.

**ح- ضرایب تأثیر مدل نهایی تبیین کننده گرایش به گروه‌های تکفیری**  
 ضرایب تأثیر مدل نهایی تبیین کننده گرایش به گروه‌های تکفیری در جدول زیر قابل مشاهده است. یافته‌های جدول که فهم دقیق‌تری از شدت و جهت تأثیرات متغیرهای مستقل بر گرایش به گروه‌های تکفیری فراهم می‌آورد بیانگر آن است که در میان متغیرهای موجود در معادله رگرسیونی، متغیر سطح ملی به بهترین وجه تغییرات متغیر وابسته (گرایش به گروه‌های تکفیری) را تبیین می‌کند:

جدول ۱۵- ضرایب تأثیر مدل نهایی تبیین کننده گرایش به گروه‌های تکفیری

متغیرهای مستقل	ضریب غیراستاندارد B	خطای استاندارد	ضریب استاندارد Beta	مقدار T	سطح معناداری
مقدار ثابت	۱/۷۱	۰/۱۵	-	۱۱/۲۸	۰/۰۰۰
سطح ملی	۰/۵۴	۰/۰۳	۰/۵۸	۱۴/۲۱	۰/۰۰۰
سطح فردی	۰/۲۹	۰/۰۲	۰/۳۹	۱۰/۶۶	۰/۰۰۰
سطح فراملی	۰/۲۰	۰/۰۲	۰/۳۲	۸/۲۵	۰/۰۰۰
سن	۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۱۰	۲/۰۴	۰/۰۰۰

داده‌های جدول نشان می‌دهند که ضریب تأثیر استاندارد (Beta) متغیرهای سطح ملی ۰/۵۸ است که ضمن تأثیرگذاری متوسط و مثبت بر گرایش به گروه‌های تکفیری، آشکار می‌سازد که هر چه میزان متغیرهای سطح ملی بیشتر باشد به همان نسبت میزان گرایش به گروه‌های تکفیری در جامعه جنوب کرمان نیز افزایش خواهد یافت. در مرتبه دوم تأثیرگذاری، باید از متغیر سطح فردی نام برد که از ضریب تأثیر استاندارد معادل ۰/۳۹ برخوردار است. این ضریب از آن حکایت دارد که هر چه میزان متغیرهای سطح فردی افزایش یابد، به همان میزان گرایش به گروه‌های تکفیری در جامعه جنوب کرمان نیز افزایش خواهد یافت و برعکس، هر چه میزان متغیرهای سطح فردی کاهش یابد به همان میزان گرایش به گروه‌های تکفیری در جامعه جنوب کرمان نیز کاهش می‌یابد.



در مرتبه سوم تأثیرگذاری باید از متغیرهای سطح فراملی نام برد که از ضریب تأثیر استاندارد معادل ۰/۳۲ برخوردارند. این ضریب از آن حکایت دارد که هر چه میزان متغیرهای سطح فراملی افزایش یابد به همان میزان گرایش به گروه‌های تکفیری در جامعه جنوب کرمان نیز افزایش خواهد یافت و در مرتبه چهارم تأثیرگذاری باید از متغیر سن نام برد که از ضریب تأثیر استاندارد معادل ۰/۱۰ برخوردار است. این ضریب از آن حکایت دارد که هر چه میزان سن افزایش یابد، به همان میزان گرایش به گروه‌های تکفیری در جامعه جنوب کرمان نیز افزایش خواهد یافت.

### خ- خروجی GIS با استفاده از تکنیک تحلیل رابطه خاکستری یا GRA

تکنیک تحلیل رابطه خاکستری یا گرا میزان اثرگذاری متغیرهای مستقل بر وابسته را به صورت دقیق‌تر بر روی نقشه نشان می‌دهد. در واقع بر اساس این تکنیک می‌توان فهم دقیق‌تری از میزان شدت گرایش به گروه‌های تکفیری در شهرستان‌های جنوبی استان کرمان داشت و به سادگی آنها را با یکدیگر مقایسه کرد. با استفاده از این تکنیک می‌توان دریافت که در بین شهرستان‌های مناطق جنوبی استان کرمان، میزان شدت گرایش به گروه‌های تکفیری در رودبار بیشتر از سایرین می‌باشد و سپس به ترتیب شهرستان‌های قلعه گنج، کهنوج، منوجان، فاریاب، جیرفت و عنبرآباد در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. خروجی این تکنیک یا بعبارت دیگر میزان گرایش به گروه‌های تکفیری در شهرستان‌های جنوبی استان کرمان بر اساس این تکنیک را در نقشه زیر به خوبی می‌توان دید:

شکل ۳- میزان گرایش به گروه‌های تکفیری در شهرستان‌های جنوبی استان کرمان با استفاده از

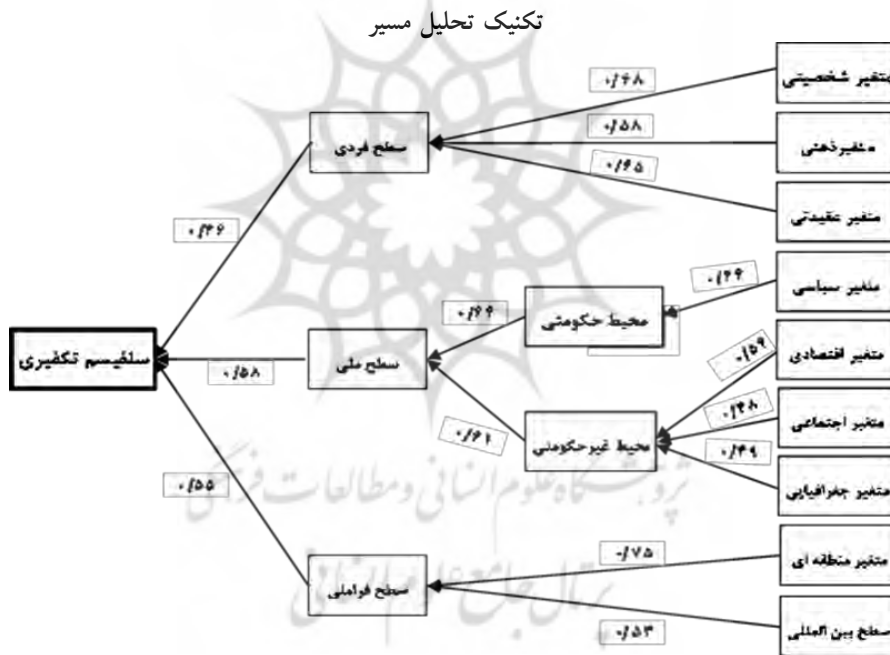
#### تکنیک تحلیل رابطه خاکستری



#### د- تحلیل مسیر

تحلیل مسیر یک روش پیشرفته آماری است که به کمک آن می‌توان علاوه بر تاثیرات مستقیم، تاثیرات غیرمستقیم هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته را نیز شناسایی کرد. این نوع تحلیل به ما کمک می‌کند میزان مناسب بودن مدل را ارزیابی کرده و با استفاده از وزن بتا، مقدار اثر هر متغیر را تعیین کرد. بر این اساس نمودار زیر اثرات مستقیم متغیرهای اصلی تحقیق یعنی میزان اثر هر یک از متغیرهای سطوح فردی، ملی و فراملی بر گرایش به گروه‌های تکفیری و همچنین همزمانی و هم‌افزایی آنها را به صورت دقیق و مشخص نشان می‌دهد:

شکل ۴- تاثیرات مستقیم و غیرمستقیم هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته بر اساس



با توجه به نمودار فوق مشخص می‌شود که هر چند متغیرهای سطح ملی با ۰/۵۸ پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری برای متغیر وابسته نسبت به متغیرهای سطوح فردی (۰/۴۴) و فراملی (۰/۵۵) می‌باشند، اما به هر حال همزمانی و تأثیر متقابل آنها بر یکدیگر در مجموع باعث افزایش گرایش به گروه‌های تکفیری در جنوب استان کرمان شده است. همچنین

در زمینه آثار مستقیم ابعاد متغیرهای مستقل بر گرایش به گروه‌های تکفیری نیز می‌توان گفت در میان متغیرهای سطح فردی، متغیر شخصیتی با  $0/۶۸$  بیشترین تاثیر را بر گرایش به گروه‌های تکفیری می‌گذارد. در بین متغیرهای سطح ملی متغیر سیاسی با  $0/۶۶$  بیشترین تاثیر را بر گرایش به گروه‌های تکفیری می‌گذارد و در نهایت در بین متغیرهای سطح فراملی نیز متغیر منطقه‌ای با  $0/۷۵$  بیشترین تاثیر را بر گرایش به گروه‌های تکفیری می‌گذارد.

### نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش شناسایی عوامل و زمینه‌های گرایش به گروه‌های تکفیری و تروریستی در جنوب استان کرمان برای برخورد مناسب با این پدیده و بررسی زمینه‌های احتمالی بروز بحران در منطقه و همچنین تبیین سهم و نقش هر یک از عوامل و زمینه‌های فردی، ملی و فراملی در گرایش مردم جنوب کرمان به گروه‌های مذکور بوده است. فرضیه پژوهش این است که «همزمانی و هم‌افزایی تأثیر عوامل و زمینه‌های فردی، ملی و فراملی باعث افزایش گرایش به گروه‌های تکفیری در جنوب استان کرمان شده است». نتایج و یافته‌ها حاکی از آن است که این فرضیه تأیید می‌گردد و نه تنها هر یک از عوامل و زمینه‌های فردی، ملی و فراملی به صورت مستقل در گرایش به گروه‌های تکفیری و تروریستی بین ساکنین این منطقه مؤثر بوده‌اند بلکه همزمانی بروز و ظهور این عوامل و زمینه‌ها و تأثیر متقابل آنها بر همدیگر باعث افزایش گرایش ساکنین جنوب استان کرمان به این گروه‌ها شده است. اگر بخواهیم به صورت جزئی‌تر به تبیین رابطه عوامل زمینه‌ای و متغیر وابسته پژوهش پردازیم لازم است تصریح شود که:

- تأیید  $۷۹/۲$  درصدی گویه‌های متغیر شخصیتی نشان می‌دهد که پتانسیل خصومت و ستیز در این منطقه بسیار بالاست و در بین شاخص‌های شخصیتی، کینه‌توزی در رأس همه آنها قرار دارد.

- تأیید  $۷۳/۴$  درصدی گویه‌های متغیر ذهنی نشان می‌دهد که میزان عددی شاخص‌هایی مانند تربیت (آموزش) نادرست، احساس محرومیت و تبعیض، ناامیدی، میزان آگاهی و دگماتیسم در منطقه جنوب استان کرمان بسیار بالاست و این موضوع بیشتر ناشی از

ضعف سیستم آموزشی در این منطقه است که خود را در دارا بودن بیشترین آمار ترک تحصیل در کل کشور متجلی کرده است.

- داده‌های متغیر عقیدتی حاکی از آن است که زمینه‌های خشونت، گذشته‌گرایی، قشری‌گری و دشمن‌ستیزی در این منطقه بالاست اما دو گویه تکفیر‌گرایی و دین‌بدون واسطه موضوعیت ندارند.

- نظر مردم منطقه نسبت به ماهیت نظام سیاسی، میزان نفوذ اجتماعی دولت در بین مردم، رعایت حقوق سیاسی، آزادی رسانه‌ها، برابری قومی - مذهبی و احساس امنیت در منطقه جنوب استان کرمان منفی است، هر چند مردم منطقه هنوز کاملاً دچار سرخوردگی سیاسی نشده‌اند و با اصلاح رویه‌های موجود شاید بتوان میزان رضایتمندی آنها را افزایش داد.

- در بین گویه‌های اجتماعی متغیرهایی چون محرومیت اجتماعی، عدالت اجتماعی، بیکاری، تعصبات اجتماعی، خشونت ساختاری، تضادهای اجتماعی و بحران هویت از مهم‌ترین چالش‌های جنوب استان کرمان هستند.

- وجود نابرابری و سطح پایین توسعه و رشد اقتصادی منطقه از عوامل و زمینه‌های اقتصادی موثر در گرایش مردم به گروه‌های تکفیری و تروریستی در جنوب استان کرمان هستند.

- متغیرهای جغرافیایی مانند دوری از مرکز استان، نزدیکی به محل بحران، عصبیت‌های قومی و فرقه‌ای، تاثیر جهانی‌شدن و گسترش ارتباطات از چالش‌ها و آسیب‌های قابل توجه جنوب کرمان هستند.

- ضعف قدرت دولت، خلأ امنیتی در خاورمیانه، شکاف‌های هویتی، تعارضات سیاسی و سطح توسعه در منطقه خاورمیانه از زمینه‌های تقویت گرایش به سلفیسم تکفیری در سطح منطقه‌ای هستند.

- بین شاخص‌های سطح بین‌المللی از جمله رقابت تسلیحاتی، نفوذ اقتصادی، ساختار قدرت بین‌المللی، حضور قدرت‌های خارجی در نقاط راهبردی و امنیت هم‌پیمانان و گرایش به سلفیسم تکفیری رابطه وجود دارد.

نتایج تحلیل رگرسیونی مدل تبیین‌کننده میزان گرایش به گروه‌های تکفیری و تروریستی نشان می‌دهد که در بین سطوح سه‌گانه (فردی، ملی و فراملی)، ابتدا عوامل و زمینه‌های

سطح ملی و سپس سطح فردی و فراملی بیشترین تأثیر را بر گرایش به گروه‌های تکفیری داشته‌اند بر این اساس برای مقابله با گرایش به گروه‌های تکفیری در مناطق جنوبی استان کرمان بیش و پیش از هر چیز باید به ارتقا و بهبود متغیرهای سطح ملی، یعنی شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی منطقه توجه کرد و مشکلات این سطح را کاهش داد و پس از آن با تعدیل یا تخفیف مسائل و مشکلات سطوح فردی و فراملی، دیگر عوامل و زمینه‌های اثرگذار بر گرایش به گروه‌های تکفیری در این منطقه را نیز مدیریت و کنترل کرد. در سطح ملی متغیر سیاسی که نشانگر عملکرد حکومت است با ۶۶٪ بیشترین میزان تأثیر را بر گرایش به گروه‌های تکفیری دارد، در حالی که متغیرهای اقتصادی، جغرافیایی و اجتماعی به ترتیب با ۵۴٪، ۴۹٪ و ۴۸٪ تأثیرگذاری در رده‌های بعدی هستند. این بدان معناست که با مدیریت رفتارهای سیاسی و حل مشکلات اقتصادی به عنوان اولویت‌های اول و دوم می‌توان تا حد زیادی از میزان گرایش به گروه‌های تکفیری در این منطقه کاست و حل مشکلات اجتماعی و جغرافیایی نیز در گام‌های بعدی باید مورد توجه قرار گیرند تا این مشکل به صورت اساسی حل شود. در سطح فراملی به عنوان دومین سطح تأثیرگذار بر گرایش به گروه‌های تکفیری اولویت اول باید حل مشکلات منطقه‌ای با همسایگان باشد که به میزان ۷۵٪ اثرگذار بوده است و در سطح فردی نیز باید با اولویت دادن به آموزش همگانی و آگاهی‌بخشی عمومی به ترتیب بر متغیرهای شخصیتی (با ۶۸٪)، عقیدتی (با ۶۵٪) و ذهنی (با ۵۸٪) تأثیر بگذاریم تا به همین ترتیب از احتمال گرایش به گروه‌های تکفیری در جنوب استان کرمان کاسته شود. در این راستا پیشنهاد می‌شود:

- به حقوق مدنی و سیاسی مردم منطقه بیشتر توجه شود. از دیدگاه مردم جنوب کرمان، تبعیض نژادی یک بیماری اجتماعی است که متأسفانه در این منطقه ریشه‌دار است و باید برای تغییر این وضعیت برنامه‌ریزی شود.

- باید به خواسته‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم منطقه توجه کرد. در زمینه اجتماعی؛ بسترهای نابرابری اجتماعی، محرومیت اجتماعی، تضادهای اجتماعی و خشونت ساختاری وجود دارد و زمینه‌های ساختاری عدالت اجتماعی و عدالت آموزشی وجود ندارد که این وضعیت باعث گسترش نارضایتی شده است.

- در زمینه اقتصادی، سطح توسعه منطقه بسیار پایین است و شهرها و روستاهای منطقه فاقد زیرساخت‌های لازم هستند. فقر مزمن در حال گسترش است و لازم است فعالیت‌های اقتصادی و زیربنایی گسترده‌ای در این منطقه صورت گیرد.
- جنوب استان کرمان از نظر بافت فرهنگی با شمال استان تفاوت چشمگیری دارد. وسعت زیاد استان کرمان و دوری از مرکز و نزدیکی به مرزها از عوامل اصلی عقب‌ماندگی این منطقه است. بنابراین لازم است که در زمینه تقسیمات کشوری نیز اصلاحاتی انجام پذیرد.
- جرایم خطرناک و خشن در منطقه جنوب کرمان به تهدیدی خطرناک برای زندگی، آزادی و امنیت ساکنین تبدیل شده است. البته باید اذعان نمود که امنیت این منطقه به مراتب نسبت به دهه‌های قبل ارتقا یافته است، اما همانطور که در یافته‌ها ذکر شد، احساس امنیت در این منطقه هنوز مناسب نیست و همچنان جرایم خشن در این منطقه یک تهدید امنیتی محسوب می‌شود.
- قوانین مرتبط با حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی باید با توجه به بافت فرهنگی منطقه مورد بازبینی قرار گیرند.
- مسکن مناسب بعنوان جزئی از حق بر استانداردهای مناسب زندگی باید برای همه مردم منطقه تأمین شود.
- حقوق اقلیت‌های مذهبی (اهل تسنن) مورد توجه قرار گیرد و در جذب افراد توانمند این قشر در درون سیستم اداری منطقه و حتی کشور، تساهل بیشتری صورت گیرد.
- استانداردهای سلامت فیزیکی و روانی مردم منطقه ارتقا یابند و امکان بهره‌مند شدن از شبکه بهداشتی، گازی و دسترسی به آب آشامیدنی سالم و سیستم فاضلاب که از حقوق اولیه شهروندان محسوب می‌شود فراهم گردد.
- وضعیت آموزشی بهبود یابد و کارهای فرهنگی و آموزش حقوق شهروندی در جنوب استان کرمان که دارای یکی از وخیم‌ترین اوضاع در کشور است در دستور کار قرار گیرد.
- با توجه به پتانسیل‌های بالای منطقه در بخش کشاورزی و دامداری، احداث و ایجاد کارخانه‌های مادر در دستور کار قرار گیرد تا از این طریق هم از میزان بیکاری و هم از میزان احساس تبعیض کاسته شود.

- تبعیض علیه زنان و تبعیض‌های قومی کاهش یابد. زنان و اقوام در جنوب استان کرمان از مقام و حیثیت مناسبی برخوردار نیستند و یکی از عوامل اصلی چالش‌های این منطقه، همین موضوع می‌باشد.

- برای تغییر وضعیت موجود و افزایش آگاهی مردم و بالا بردن سطح فرهنگی مردم در منطقه جنوب استان کرمان، باید سازمان‌های مردم نهاد در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی تشکیل داد و از آنها حمایت نمود.

بدیهی است که داده‌های این پژوهش فقط برای مقابله با این پدیده در منطقه مورد مطالعه اعتبار دارند و تجویز آن برای استان‌های دیگر یا حتی مناطق دیگر این استان از نظر علمی قابل توجیه نیست مگر آنکه نتایج تحقیق مشابه در مناطق دیگر چنین اجازه‌ای را به ما بدهد.

## تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

Reza Khalili: <https://orcid.org/0000-0003-1279-8737>

Ghadir Nasri: <https://orcid.org/0000-0003-3525-7220>

Salman Dast Afshan: <https://orcid.org/0000-0003-2420-7076>

## منابع

- اینیشین، آلبرت و زیگموند فروید، (۱۳۹۲)، چرا جنگ؟ بررسی روانشناسانه پدیده جنگ، ترجمه خسرو ناقد، تهران: انتشارات کتاب روشن.
- آذین، احمد و علی سیف‌زاده، (۱۳۹۴)، «بررسی زمینه‌های اجتماعی و سیاسی ظهور داعش در خاورمیانه»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و نهم، شماره ۴.
- بشیریه، حسین، (۱۳۷۳)، بسیج و انقلاب سیاسی، تهران: دانشگاه تهران.
- پارسانیا، حمید، (۱۳۹۳)، «زمینه‌های معرفتی و اجتماعی شکل‌گیری داعش»، در سایت رسمی حجت الاسلام پارسانیا، بازدید در تاریخ ۵/تیر ۱۳۹۷. قابل دسترس در: [www.parsania.ir](http://www.parsania.ir).
- پورسعید، فرزاد، (۱۳۹۳)، «علل گرایش به تروریسم انتحاری»، ماهنامه برآورد، شماره ۱۷-۱۸.
- تودنهوفر، یورگن، (۱۳۹۵)، ده روز با داعش، ترجمه علی عبداللهی و زهرا معین‌الدینی، تهران: کتاب کوله‌پشتی.
- حیدری، ایوب، (۱۳۹۳)، «فرهنگ و گسترش تروریسم و افراط‌گری در خاورمیانه و شمال آفریقا: با تأکید بر فعالیت‌های داعش، فصلنامه سیاست، سال اول، شماره ۴.

- دلاور، علی، (۱۳۹۳)، *روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، چاپ چهل و هشتم، تهران: موسسه نشر ویرایش.
- دمیرجان، کارون، (۱۳۹۴)، «علل گرایش جوانان تاجیک به داعش از نگاه روزنامه آمریکایی»، پایگاه خبری صدای ایران به نقل از واشنگتن پست، شناسه خبر ۷۲۴۳۷، بازدید در تاریخ ۹/ تیر ۱۳۹۷. قابل دسترس در: [www.sedayiran.com/fa/news/72437](http://www.sedayiran.com/fa/news/72437).
- دیوسالار، عبدالرسول و همکاران، (۱۳۹۶)، *سند توسعه اجتماعی و فرهنگی استان کرمان*، جلد دوم، طرح‌ریزی راهبردی توسعه اجتماعی استان کرمان، کرمان: جهاد دانشگاهی استان کرمان.
- ژیتک، اسلاوی، (۱۳۹۷)، *خشونت؛ پنج نگاه زیرچشمی*، ترجمه علی‌رضا پاک‌نهاد، چاپ هشتم، تهران: نشر نی.
- شیخی، احمد، (۱۳۹۶)، «دلیل گرایش به داعش اعتقادی نیست، محرومیت و فقر است»، شناسه خبر: ۲۷۴۰۷۰. قابل دسترس در: [www.rajanews.com/news/274070](http://www.rajanews.com/news/274070).
- صادقی‌زاده، سلمان، (۱۳۹۵)، «مبانی فقهی خشونت داعش»، *داعش حقیقی و حقیقت داعش*، به اهتمام محمد حسن حبیبیان، تهران: پژوهشکده مطالعات کاربردی قلم.
- عطوان، عبدالباری، (۱۳۹۵)، *تولد اهریمن عوامل پیدایش دولت اسلامی عراق و شام*، ترجمه فاروق نجم‌الدین، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کریمی‌مله، علی و رضا گرشاسبی، (۱۳۹۴)، «بررسی چرایی پیوستن جنگجویان خارجی به داعش»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال پنجم، شماره ۱.
- کلانتری، کیومرث و فاطمه نوری، (۱۳۹۳)، *تروریسم مذهبی در فضای سایبر و راهکارهای مقابله با آن*، اولین کنفرانس فضای سایبری و تحولات فرهنگی.
- موسسه ابرار معاصر، (۱۳۹۶)، «تحلیل روانشناسی سیاسی پدیده داعش؛ رویکردی ایرانی»، پایگاه تحلیلی دفتر پژوهش موسسه فرهنگی هنری رصد، تاریخ انتشار ۲۹ خرداد ۱۳۹۶، کد خبر ۱۲۴۹۱۰، بازدید در تاریخ ۲۰ تیر ۱۳۹۷، <http://rasad.org/fa/new>.
- نصری، قدیر، (۱۳۹۵)، «خشونت‌ورزی در دکترین داعش: نقد سه نظر و طرح یک نظر»، *داعش حقیقی و حقیقت داعش*، به اهتمام محمد حسین حبیبیان، تهران: پژوهشکده مطالعات کاربردی قلم.
- نوربخش، یونس، منصور مهدی‌زاده، (۱۳۹۴)، «ایدئولوژی جریان داعش و دلایل تاریخی-اجتماعی گرایش به آن»، *فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات جامعه‌شناختی*، دوره ۲۲، شماره ۲.

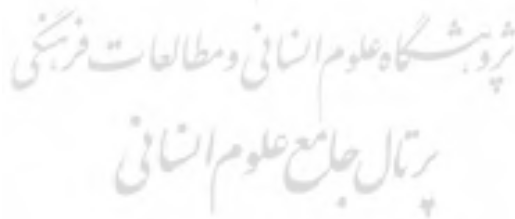


- هانتینگتون، ساموئل، (۱۳۷۸)، *برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی*، ترجمه محمدعلی حمید رفیعی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- هوشنگی، حسین و احمد پاکتچی، (۱۳۹۰)، *بنیادگرایی و سلفیه؛ بازشناسی طیفی از جریان‌های دینی*، تهران: دانشگاه امام صادق.

## References

- Aree, DGG Slill rr, T, (2))) , nnn oooltt innrry Gmne Arrr occh to aaaaa a nntll ism ddd Cnnflitt., *Journal of Institutional and Theoretical Economics*, No. 159.
- Blil, Allll majid Hssaa,, (3333), CGsses nnd Dymmic of oolitical Vill nnee in Nieeri:: Illamic Vissn nn tee oolutio''''', *International Journal of Humanities and Social Science Invention*, Vol. 2, Issue 3.
- Campos, Nauro F and Martin Gassebner, (2009), *International Terrorism, Political Instability and the Escalation Effect*, KOF Working Paper No. 220. KOF Swiss Economic Institute. Available at: <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1351984>.
- Çırrr , Bkkir, (000)), eeee Rttt Csss es of eerrorimm, *ME TU Studies in Development*, Vol. 36, PP. 93- 119.
- Corbin, Isaiah, (2010), *An Empirical Analysis of Terrorism in the Middle East and Africa*, Available at: [www.Yump.com](http://www.Yump.com).
- Frings, Manfred, (2005), *Max Scheler and the Psychology of the Terrorist*, Available at: [www.Isistatic.org.journal-Archive](http://www.Isistatic.org.journal-Archive).
- Gll tnn,, oo,,, ,0000), llll trral Vill eeee,, *Journal of Peace Research*, Vol. 27, No. 3.
- Gurr, T, (1970), *Why Men Rebel*, Princeton: Princeton University Press.
- Hegghammer, Thomas, (2010), *Jihad in Saudi Arabia*, New York: Cambridge University Press.

- Kingsley, Okoro, (2010), "Religion and Terrorism: A socio-Historical Reconsideration", *Journal of Alternative Perspectives in the Social Sciences*, Vol. 2, No. 2.
- Rottman, R. I. (2000), "The Nature of Terrorism", *The Washington Quarterly*, 25 (3).
- Munnana, G. (2000), "Terrorism of Political Violence and Resurgence of the Government in Sri Lanka 1971-1989", *Terrorism and Political Violence*, 11 (1).
- Sen, Amartya, (2007), *Identity and Violence: The Illusion of Destiny*, London: Penguin Books.
- Taylor, Bruce J. (2002), *Opportunity and Discontent: An Analysis of Mass Political Violence Throughout the World from 1975 to 1994*, Chicago: Illinois,



**استناد به این مقاله:** خلیلی، رضا، نصری، قدیر، دست افشان، سلمان، (۱۴۰۰)، «عوامل و زمینه‌های گرایش به گروه‌های تکفیری؛ بررسی موردی مناطق جنوبی استان کرمان»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۱۰(۳۸)، ۴۲-۹  
doi: 10.22054/qps.2020.43201.2328